

# زمینه هدفمند شدن توزیع یارانه‌ها در برنامه سوم توسعه فراهم می‌شود

اشاره:

پرداخت یارانه به بخش‌های تولید و مصرف در چارچوب پرداخت‌های انتقالی دولت در اقتصاد آزاد با هدف پیشبرد رشد و توسعه اقتصادی پایدار، کاهش فاصله طبقاتی و توزیع عادلانه‌تر درآمدها و ایجاد تعادل اقتصادی - اجتماعی، صورت می‌گیرد.

یارانه‌های پرداختی به بخش تولید به منظور تقویت بنیه تولید ملی و افزایش توان رقابت در بازارهای درون و برون مرزی و اعطای یارانه به بخش مصرف جهت حمایت از اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی انجام می‌شود. در اقتصاد ایران نیز چندین دهه متمادی است که پرداخت یارانه در قالب بودجه‌های سنواتی تداوم دارد و بخشی از منابع درآمدهای عمومی را جذب می‌کند.

در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، توزیع یارانه‌ها در بخش‌های تولید و مصرف منظور شده و برای تقویت بنیه رقابت تولید و صادرات و نیز پشتیبانی از اقشار آسیب‌پذیر موادی به تصویب رسیده است.

در این مقاله به بررسی دیدگاه برنامه سوم در خصوص یارانه‌ها می‌پردازیم.

فصل پنجم قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۳-۱۳۷۹) با عنوان «نظام تأمین اجتماعی و یارانه‌ها» به نحوه اعطای یارانه‌ها اشاره دارد و مواد ۳۶ تا ۴۷ این قانون نظام توزیع یارانه‌ها در اقتصاد ایران را روشن ساخته است.

در ماده ۳۶ این قانون تصریح شده است: «در اجرای اصل بیست و نهم قانون اساسی و به منظور توسعه عدالت اجتماعی، نظام تأمین اجتماعی با هدف حمایت از اقشار مختلف جامعه در برابر رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی و پیامدهای آن از نظر بازنشستگی، بی‌کاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث و سوانح و ناتوانی‌های جسمی، ذهنی، روانی و نیاز به خدمات بهداشتی - درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه‌ای و غیر آن (حمایتی و امدادی) حقی است همگانی و دولت مکلف است طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تأمین کند».

مواد ۳۷ تا ۴۵ این قانون در ادامه ماده ۳۶ به نحوه حمایت از اقشار مختلف اجتماع در خصوص تأمین خدمات بهداشتی و نیز درآمد خانواده‌های آسیب‌پذیر در برابر ازکارافتادگی و حوادث غیرمترقبه در قالب حمایت‌های بیمه‌ای اشاره دارد و دستگاه‌های مسؤول موظف به انجام

تکالیفی برای ارایه پوشش خدمات مورد نیاز شده‌اند.

اما ماده ۴۶ این قانون به نحوه توزیع یارانه کالاهای اساسی و ماده ۴۷ به اعطای یارانه‌های بخش کشاورزی تأکید دارد. در ماده ۴۶ آمده است:

الف- سیاست پرداخت یارانه کالاهای اساسی شامل گندم، برنج، روغن نباتی، قند و شکر، پنیر، دارو و شیرخشک در برنامه سوم با حفظ کالابریگ از نظر تعداد، تعداد وزنی و قیمت آن مطابق با برنامه دوم خواهد یافت. دولت موظف است، یارانه پرداختی به کالاهای اساسی را بر اساس تعداد سرانه در برنامه دوم به صورت ریالی و ارزی در بودجه سالانه منظور نماید.

ب- سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان موظف است، با اعلام وزارت بازرگانی پس از انجام محاسبات لازم نسبت به برقراری مابه‌التفاوت در مورد کالاهای وارداتی که دارای امتیاز قابل توجه هستند، اقدام نماید و مابه‌التفاوت مأخوذه را به حساب خزانه واریز نماید.

دولت می‌تواند معادل ۱۰۰ درصد وجوه مابه‌التفاوت مأخوذه را بر اساس پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب شورای اقتصاد در نظام پرداخت یارانه کالاها و یا خدماتی که ضرورت استفاده از یارانه را

دارند، استفاده نماید. در ماده ۴۷ این قانون نیز تصریح شده است:

«یارانه نهاده‌های کشاورزی مانند کود، سم و بذر در طی سال‌های برنامه حفظ و ادامه می‌یابد و دولت وظیفه دارد، قیمت تضمینی کالاهای اساسی را به نحوی تعیین کند که در پایان سال سوم برنامه، قیمت خرید داخلی آنها با هزینه خرید این کالاها از خارج برابری کند.»

بر اساس این مواد، در سومین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، بخش‌های تولید و مصرف همچنان از یارانه‌های دولتی بهره‌مند می‌باشند، گذشته از آنکه دولت برای ایجاد زمینه مساعد جهت هدفمند کردن توزیع یارانه‌ها و خارج ساختن آن از نحوه توزیع عمومی، ضمن حفظ پرداخت یارانه‌ها در برنامه سوم، مطابق با مواد ۳۷ تا ۴۵ نظام تأمین اجتماعی را توسعه می‌دهد.

در کتاب راه‌کارهای اجرایی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۳-۱۳۷۹) در فصل چهارم توضیحات لازم در خصوص نحوه اجرای قانون آمده است.

در بند اول اشاره شده است: «به منظور حسن اجرای قانون برنامه سوم، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است، با توجه به پیش‌بینی منابع حاصل از افزایش قیمت انرژی حداکثر تا پایان سال

اول برنامه، آیین‌نامه روش‌های اجرایی ناظر به روش‌های جبرانی برای حفظ قدرت خرید مردم و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر. روش‌های اصلاح ساختار انرژی و سایر مصارف و ایجاد اشتغال ناشی از منابع حاصل از تعدیل قیمت انرژی را با کمک دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیأت وزیران برساند.

در بند دوم نیز آمده است: «دستگاه‌های ذی‌ربط مکلفند با اعمال سیاست‌های ذیل، پرداخت یارانه به فعالیت‌های اجتماعی را ادامه دهند:

الف- ضمن طبقه‌بندی فعالیت‌ها بر حسب میزان منافع اجتماعی آنها کمک‌های انتقالی و یارانه‌ها را که به شکل بودجه عمومی به دستگاه‌ها اختصاص داده می‌شود، به بخش‌هایی از فعالیت‌های اجتماعی که منافع اجتماعی آنها بیشتر است، اختصاص دهند.

ب- در مواردی که انگیزش‌های اجتماعی - اقتصادی برای سرمایه‌گذاری مردم وجود دارد، یارانه‌های دولتی را کاهش داده و منابع حاصل را به فعالیت‌های اجتماعی دیگری که با سیاست‌های هدفمند یارانه‌ها و منافع اجتماعی انطباق دارد، اختصاص دهند.

در بند سوم نیز تصریح شده است: «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است طی مدت شش ماه از تاریخ تصویب قانون برنامه

سوم در راستای استقرار نظام شناسایی خانوارهای کم درآمد و با درآمد متوسط، دستورالعمل ایجاد پایگاه اطلاعات درآمدی خانوارها را با مشارکت سازمان‌های بیمه‌ای و حمایتی و بنا استفاده از شماره ملی، تدوین و ابلاغ کند.

همانگونه که قانون برنامه سوم و راه کارهای اجرایی آن نشان می‌دهد، توزیع یارانه‌ها در اقتصاد ایران در سال‌های ۸۳-۱۳۷۹ تداوم می‌یابد، اما گام‌هایی در جهت گسترش عدالت اجتماعی برداشته می‌شود و زمینه مساعد برای اجرای سیاست‌های هدفمندی یارانه‌ها برداشته خواهد شد.

در همین حال به منظور گسترش مشارکت مردم در فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی، زمینه‌های فعالیت مردم مشخص و اعطای یارانه در این فعالیت‌ها که در واقع رقابتی و درآمدزا هستند، کاهش می‌یابد یا به کلی قطع می‌شود و در مقابل در بخش‌های دیگر که دارای منافع اجتماعی است، لیکن انگیزه فعالیت بخش غیردولتی وجود ندارد، اعطای یارانه به منظور حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و گسترش عدالت اجتماعی تداوم خواهد یافت.

در اقتصاد آزاد، پرداخت‌های انتقالی دولت می‌بایست در بخش‌هایی متمرکز گردد که منافع اجتماعی را دربردارد، لیکن بخش خصوصی انگیزه‌ای برای

سرمایه‌گذاری و فعالیت در آن ندارد. در نتیجه به منظور ارائه خدمات مناسب به مردم به ویژه اقشار آسیب‌پذیر، دولت جای خالی را پر می‌کند و سرمایه‌گذاری جبرانی و مورد نیاز را تأمین می‌نماید.

در بند ب ماده ۴۶ قانون برنامه سوم به صراحت به موضوع برقراری مابه‌التفاوت در مورد کالاهای وارداتی و تخصیص آن به پرداخت یارانه کالاها و خدمات ضروری اشاره شده و در ماده ۴۷ نیز تعیین قیمت تضمینی کالاهای اساسی و برابری آن با قیمت محصول وارداتی تا پایان سال سوم اجرای برنامه تأکید شده است.

این مواد نشان می‌دهد که قانون‌گذار به موضوع رقابت در بخش‌های مختلف اقتصادی و حمایت از تولید داخلی توجه دارد و وجوه دریافتی از مابه‌التفاوت کالاهای وارداتی را برای حمایت از تولید داخلی منظور کرده و آن را صرف تأمین مالی پرداخت‌های انتقالی دولت در قالب توزیع یارانه کالاها اساسی می‌کند. در همین حال به منظور حمایت از تولید بخش کشاورزی با وجود اعطای یارانه‌های نهاده‌های کشاورزی، تعیین قیمت خرید تضمینی در حدی که توان رقابت تولید داخلی تقویت شود، را در نظر قرار داده است.

در راه کارهای اجرایی برنامه سوم نیز تنظیم آیین‌نامه اجرایی روش‌های

اجرایی ناظر به روش‌های جبرانی همانند روش‌های اصلاح ساختار انرژی و نیز تعدیل قیمت انرژی، منظور شده است.

یارانه‌های ناشی از قیمت مواد و فرآورده‌های انرژی در اقتصاد ایران که بخش‌های تولید (کشاورزی، صنعت، حمل و نقل و ...) و مصرف وجود دارد و سالانه به بیش از ۱۰ میلیارد دلار می‌رسد، مورد نظر قانون‌گذاری می‌باشد که می‌بایست این یارانه‌ها از طریق تعدیل قیمت انرژی از بین برود. این یارانه‌ها نه تنها مانعی برای اصلاح ساختار مصرف انرژی می‌باشد، بلکه هدر رفتن و بهره‌برداری غیراقتصادی از انرژی را به دنبال داشته است. قانون‌گذار به این مقوله اساسی در اقتصاد کشور که رقابتی بودن فعالیت‌های اقتصادی در کشور را در هاله‌ای از ابهام باقی گذارده است، توجه دارد.

با این وصف می‌توان گفت: در برنامه سوم اصلاح و تعدیل قیمت‌ها (مواد انرژی و محصولات کشاورزی)، رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد چارچوب مناسب برای تجارت خارجی (تعیین قیمت خرید تضمینی محصولات کشاورزی به تناسب بهای جهانی این کالاها) و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر (اعطای یارانه کالاها اساسی) به طور همزمان مدنظر می‌باشد. این دیدگاه از یک طرف به رقابتی شدن فعالیت‌های اقتصادی و اصلاح الگوی مصرف و

از طرف دیگر به پشتیبانی جامع از اقشار آسیب‌پذیر توجه دارد و می‌تواند پایگاه مناسبی را برای ایجاد اقتصاد رقابتی فراهم آورد.

در همین راستا، مطالعاتی از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور انجام شده که می‌تواند چارچوب مناسب اجرایی را فراهم و تنظیم کند. در این مطالعه جامع ابتدا یارانہ تعریف شده و انواع یارانہ‌ها مطرح و یارانہ‌های اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. سپس به روش‌های پرداخت یارانہ‌ها، کالاهای مشمول دریافت یارانہ و جداول مربوطه اشاره و گزینه‌های مختلف توزیع یارانہ‌ها تشریح شده است.

در تعریف یارانہ آمده است: «یارانہ هر گونه پرداخت‌های انتقالی را گویند که به منظور حمایت از اقشار کم‌درآمد و بهبود توزیع درآمد، از محل خزانه دولت و هر آنچه که می‌تواند به خزانه دولت واریز گردد به صورت نقدی و یا جنسی به خانوارها و تولیدکنندگان کالا و خدمات تعلق می‌گیرد.»

در این مطالعه، انواع یارانہ‌ها شامل یارانہ‌های اقتصادی، یارانہ‌های اجتماعی، یارانہ‌های سیاسی و یارانہ‌های توسعه‌ای مطرح شده و بررسی حول یارانہ‌های اقتصادی صورت گرفته است.

روش‌های پرداخت یارانہ به صورت یارانہ مستقیم، یارانہ

غیرمستقیم و یارانہ ارزشی تقسیم شده است.

یارانہ مستقیم به صورت پرداخت نقدی به خانوارهای هدف به منظور افزایش درآمد خانوارهای کم‌درآمد، تعریف شده است. در همین حال یارانہ مستقیم به صورت تعیین قیمت کالا و خدمات به میزانی کمتر از قیمت واقعی آن و یارانہ ارزش، به صورت اعطای کالا بزرگ با ارزش خاص برای مصارف خاص به خانوارهای هدف، تعریف شده است. در همین حال تصریح شده است، کالاهایی که در حال حاضر مشمول دریافت یارانہ هستند، عبارتند از: بستری، نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره، گاز مایع، گاز طبیعی، برق، گندم، برنج، شکر و قند، روغن، گوشت، پنیر، شیر و مرغ، دارو، نهاده - مواد بهداشتی کود و سم و قطعات و ماشین‌آلات و نیز کاغذ و مطبوعات.

در این مطالعه، دفتر امور انرژی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، میزان یارانہ انرژی در سال ۱۳۷۹ را بر مبنای هزینه عرضه حامل‌های انرژی بر حسب هر دلار معادل ۸۰۰۰ ریال، محاسبه و اعلام کرده است. بر این اساس، در سال ۱۳۷۹ میزان فروش فرآورده‌های انرژی بر اساس قیمت‌های داخلی معادل ۲۱۳۳۵ میلیارد ریال اعلام شده، در حالی که ارزش واقعی انرژی مصرفی در کشور ۱۱۶۵۸۷ میلیارد ریال بود که

به این ترتیب تنها در بخش انرژی، دولت ۹۵۲۵۲ میلیارد ریال به مصرف‌کنندگان انرژی بخش‌های مختلف اقتصاد کشور، یارانہ داده است.

طبق این مطالعه، یارانہ پرداختی به بخش انرژی در سال ۱۳۷۹ (بیش از ۹۵/۲ هزار میلیارد ریال) معادل ۵۸ درصد بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۸۰ می‌باشد. بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۸۰ در حدود ۱۶۴/۳ هزار میلیارد ریال است. به عبارتی با حذف یارانہ‌های انرژی و واقعی شدن قیمت آن، بودجه دولت به طور طبیعی ۱/۵ برابر خواهد شد و بخش قابل توجهی از این منابع می‌تواند صرف سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و رفاه اجتماعی گردد.

در همین حال دفتر امور بازرگانی و دفتر امور بهداشت و درمان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با تنظیم جدولی، یارانہ کالاهای اساسی و دارو (حساس و ضروری) در سال ۱۳۷۹ (ارزی و ریالی) را در مجموع ۳۵۳۷۵ میلیارد ریال برآورد کرده است.

در توضیح این جدول لازم است اشاره شود که یارانہ ریالی مربوط به قند و شکر و روغن در سطر مربوط به برنج و در یارانہ اساسی، یارانہ ریالی کاغذ و مطبوعات در سطر سایر یارانہ‌های اساسی منظور شده است.

به این ترتیب، تنها در سال ۱۳۷۹ در مجموع دولت ۱۳۰/۶ هزار میلیارد ریال یارانانه بابت مواد انرژی و نیز کالاهای اساسی و دارو متقبل شده است که این رقم در قیاس با بودجه عمومی دولت در سال جاری نزدیک به ۸۰ درصد بودجه است.

در همین حال با توجه به آنکه مجموع درآمدهای بودجه دولت در سال ۱۳۷۹ معادل ۱۰۴/۶ هزار میلیارد ریال بوده است. بیش از درآمدهایی که دولت جذب نموده، یارانانه بابت کالاهای اساسی و مواد انرژی متقبل شده است. هزینه‌های بودجه دولت در سال ۱۳۷۹ نیز در سطح ۱۰۸/۳ هزار میلیارد ریال بوده است. بنابراین چنانچه این یارانانه وجود نداشت، دولت بیش از دو برابر آنچه در سال گذشته، هزینه کرده است، می‌توانست در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور سرمایه‌گذاری کند و زمینه‌های وسیع‌تری را برای توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی بوجود آورد.

در جدول دیگری که از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تنظیم شده است، سرانه یارانانه پرداختی در سال ۱۳۷۹ مشخص شده است.

این محاسبات نشان می‌دهد که هر خانوار ایرانی به طور متوسط ماهانه ۷۶۶ هزار ریال در سال گذشته از یارانانه بهره‌مند بوده است. شاید بر عقیده بسیاری از مصرف‌کنندگان، چنانچه این رقم به

طور مستقیم به خانوارها اختصاص می‌یافت، تأثیر واضح‌تری در رفاه آنها می‌داشت. علت این امر را می‌بایست در توزیع یارانانه جست و جو کرد. بیش از ۷۲ درصد یارانانه‌های پرداختی در سال گذشته، مربوط به بخش انرژی بوده است. از آنجا که خانوارهای کم‌درآمد به طور معمول از انرژی کمتری نیز استفاده می‌کنند، تقریباً از توزیع دوسوم یارانانه‌ها بی‌بهره بوده‌اند و در مقابل خانوارهای با درآمد بیشتر که مصرف انرژی بیشتری نیز دارند، بخش قابل توجهی از یارانانه‌ها را مورد استفاده قرار داده‌اند. خانوارهایی که شاید هیچگونه نیازی به حمایت مالی دولت نداشته باشند.

از این رو ایجاد نظامی برای هدفمند کردن یارانانه‌ها و اعطای آن به خانوارهای نیازمند ضروری است، هر چند که تعدیل بهای کالاهای دارای یارانانه می‌تواند فشارهای تورمی را موجب شود. اما با پرداخت مستقیم یارانانه به آنها می‌توان آثار تورمی را بردرآمد و هزینه خانوارهای آسیب‌پذیر کاملاً از بین برد.

برنامه سوم در واقع زمینه‌ای را برای هدفمند کردن یارانانه‌ها آماده می‌کند تا در سال‌های بعد بتوان با تعدیل قیمت‌ها و واقعی کردن آنها از یک سو محاسبات توجیه اقتصادی سرمایه‌گذاری‌ها را شفاف و معقول‌تر کرد و از سوی دیگر حمایت واقعی از اقشار نیازمند به عمل آورد.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در این تحقیق گزینه‌های مختلفی را برای توزیع یارانانه‌ها پیش‌بینی کرده است که از این قرار می‌باشند:

۱- اعطای یارانانه به روش موجود (غیرمستقیم)

شمول یارانانه به کلیه اقشار جامعه اعم از برخوردار و نیازمند به طور یکسان.

۲- اعطای یارانانه مستقیم به خانوارهای هدف

جهت دادن یارانانه صرفاً به گروه‌های ذیحق و به بیانی اقشار نیازمند

۳- اعطای یارانانه مستقیم به کلیه خانوارها. کلیه اقشار جامعه صرف نظر از وضعیت درآمدی مشمول دریافت مستقیم قرار می‌گیرند

۴- هدفمند نمودن یارانانه‌ها به سمت خانوارهای کم‌درآمد و فقیر و اختصاص بخشی از منابع حاصل به توسعه اشتغال و خدمات عمومی

گزینه اول و سوم تقریباً شرایط موجود را تداوم می‌بخشد. اما گزینه‌های دوم و چهارم شرایط متفاوتی را پیشنهاد می‌کنند. در تحلیل مزیت‌ها و معایب گزینه اول (ادامه روش کنونی) تنها مزیت سادگی اجرا و عادت عمومی بیان شده است، اما معایب آن بدین شرح می‌باشند:

۱- بهره‌مندی بیشتر توانمندان و اقشار مرفه از یارانه‌ها به دلیل امکان مصرف بیشتر

۲- شکل‌گیری الگوی مصرف بی‌رویه و اسراف‌آمیز به دلیل پایین بودن قیمت کالاهای یارانه‌ای

۳- تأثیر نامطلوب در سرمایه‌گذاری و تولید کالای یارانه‌ای به دلیل عدم امکان رقابت با قیمت کالاهای یارانه‌ای

۴- اثر نامطلوب اعطای یارانه‌ها به روش فعلی بر اشتغال به دلیل عدم توسعه تولید کالاهای یارانه‌ای

۵- قاچاق کالاهای یارانه‌ای به کشورهای خارج به دلیل تفاوت فاحش قیمت با کالاهای مشابه در سایر کشورها

۶- افزایش فاصله طبقاتی بین گروه‌های با درآمد بالا و پایین به دلیل بهره‌مندی بیشتر گروه‌های با درآمد بالا از یارانه‌ها

در این مطالعه آمده است، سهم دهک اول از یارانه بنزین ۱/۳ درصد، نفت سفید ۴/۴ درصد، دارو ۳/۸ و نان ۶/۲ درصد است. در مقابل سهم دهک دهم از این یارانه‌ها به ترتیب ۱/۱، ۱۱/۶، ۱۷/۵ و ۱۲/۵ درصد

است. لذا پردرآمدترین اقشار جامعه بیش از کم‌درآمدترین آنها از یارانه‌ها استفاده می‌کنند. این آمارها نشان می‌دهد که هدف اصلی از اعطای یارانه که حمایت از اقشار آسیب‌پذیر است، بکلی نقض شده است. با ادامه روند موجود سهم مصرف داخلی از تولید نفت خام در کشور در سال ۱۳۸۶ با سطح تولید روزانه ۴/۷ میلیون بشکه به ۴۹/۷ درصد و سهم صادرات به ۵۰/۳ درصد خواهد رسید، در حالی که در سال ۱۳۷۶ با تولید روزانه ۳/۸۵ میلیون بشکه نفت خام، سهم مصرف داخلی ۳۸/۸ و صادرات ۶۱/۲ درصد بوده است. به عبارتی ظرف یک دهه با وجود افزایش روزانه حدود ۹۰۰ هزار بشکه در تولید نفت خام کشور، میزان صادرات رشدی نخواهد داشت. زیرا صادرات نفت خام از روزانه ۲۳۵۵ هزار بشکه در سال ۱۳۷۶ به ۲۳۶۶ هزار بشکه در روز در سال ۱۳۸۶ خواهد رسید.

به عبارت دیگر تمام سرمایه‌گذاری‌ها برای افزایش توان تولید نفت خام کشور در یک دهه، در صادرات و درآمد ارزی نقشی نخواهد داشت و الگوی مصرف بی‌رویه انرژی، موجب خواهد شد که تولید اضافی فقط صرف تأمین تقاضای داخلی شود و گروه‌های ثروتمند جامعه از یارانه‌های

پرداختی (در صورت تداوم روند کنونی) بیش از پیش بهره‌مند شده و فاصله طبقاتی گسترش خواهد یافت.

اما محاسن گزینه دوم یعنی هدفمند نمودن پرداخت یارانه‌ها با شناسایی خانوارهای کم‌درآمد و پردرآمد، عبارتند از:

۱- هدف اصلی یارانه‌ها که کمک به خانوارهای کم‌درآمد و کاهش فاصله طبقاتی است، به طور جامع و کامل به اجرا درمی‌آید.

۲- کلیه معایب مذکور در بند الف که حاصل اجرای سیاست اعطای یارانه به طور عام می‌باشد، برطرف خواهد شد.

اما معایب این گزینه نیز عدم اطمینان خاطر مسؤولان کشور از امکان اجرایی و شناسایی این خانوارها و صحت انجام کار، زمان‌بر بودن شناسایی خانوارها و تشکیل بانک اطلاعاتی و نیز امکان بروز بازتاب‌های اجتماعی منفی در جریان اجرا می‌باشد.

در تحلیل مزیت‌های گزینه سوم یعنی اعطای یارانه مستقیم ریالی به همه خانوارها به طور مساوی بدون در نظر گرفتن وضعیت درآمد آنها، آمده است:

۱- رفع بی‌عدالتی در توزیع یارانه بین گروه‌های با درآمد بالا و پایین

<p>عمومی، اشتغال و بهبود خدمات عمومی، اختصاص مبالغی برای بهبود خدمات به روستائیان در زمینه آب آشامیدنی، راه روشنایی، بیمه درمان، بهداشت و آموزش و پرورش منظور شده است. در همین حال یارانه نان ظرف ۱۰ سال اصلاح خواهد شد. در نهایت سازمان مدیریت و برنامه ریزی گزینه چهارم را اصلح می‌داند.</p>	<p>حاصل به توسعه اشتغال و خدمات عمومی است، محاسن عبارتند از:</p> <p>۱- خسروج تدریجی از وضعیت کنونی پرداخت یارانه و هدفمند کردن آن</p> <p>۲- افزایش میزان اشتغال برای تقویت تقاضا برای سرمایه‌گذاری و تولید در داخل کشور</p>	<p>۲- اصلاح نظام قیمت‌ها و افزایش رغبت به سرمایه‌گذاری و تولید</p> <p>۳- میزان افزایش اشتغال به تبع افزایش تولید</p> <p>۴- جلوگیری از قاچاق کالا به خارج از کشور</p> <p>۵- منطقی نمودن مصرف کالاهای یارانه‌ای</p>
<p>به نظر کارشناسان نیز، اصلاح قیمت‌ها و یارانه‌ها یکی از وظایف اصلی دولت برای تقویت بنیه رقابت تولید ملی، ایجاد اشتغال و حمایت واقعی از اقشار آسیب‌پذیر و گسترش عدالت اجتماعی می‌باشد.</p>	<p>۳- اصلاح الگوی مصرف کالاهای یارانه‌ای و بهبود وضع تغذیه</p> <p>۴- توسعه حمایت از نیازمندان و فقرا به لحاظ تأمین نیازهای غذایی</p>	<p>۶- اصلاح ترکیب مصارف خانوار</p> <p>۷- سادگی اجرا</p> <p>۸- افزایش درآمد خانوارهای کم‌درآمد و فقیر</p> <p>۹- توسعه حمل و نقل عمومی</p> <p>۱۰- تقویت نظام بیمه درمان با اختصاص ۸۰ درصد یارانه دارو به سازمان‌های بیمه‌گر</p>
<p>کارشناسان عقیده دارند که ادامه وضعیت کنونی نه تنها به نفع اقشار آسیب‌پذیر نمی‌باشد، بلکه قدرت رقابت اقتصاد کشور و حتی درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت را تهدید می‌کند. انتظار می‌رود که نظام اجرایی پایان برنامه سوم تنظیم و تکمیل گردد و پس از آن اقتصاد ایران به سمت رقابت واقعی و رفاه و عدالت اجتماعی پیش برود.</p>	<p>۵- بهبود خدمات عمومی و اجتماعی نظیر آموزش، بهداشت، حمل و نقل و ...</p> <p>اما معایب این گزینه، پرداخت غیرهدفمند یارانه‌ها در دوره‌ای محدود، اعلام شده است. در این روش که به طور تدریجی در طول پنج‌سال انجام می‌شود تا پرداخت یارانه‌ها هدفمند گردد، منابع حاصل سالانه حدود ۲۶۰۰ میلیارد ریال برآورد شده که صرف افزایش حقوق کارکنان دولت و بازنشستگان و کمک‌های غیرنقدی کارگران، افزایش قیمت خرید تضمین محصولات کشاورزی، پرداخت مستقیم به خانوارهای زیر خط فقر، اختصاص وجوهی برای توسعه حمل و نقل</p>	<p>اما معایب این گزینه عبارتند از:</p> <p>۱- امکان بروز مشکل در جهت‌گیری‌های آینده برای حذف آن قسمت از یارانه‌ها که مربوط به خانوارهای غنی می‌گردد.</p> <p>۲- پرداخت یارانه به خانوارهای با درآمد بالا با مبانی پرداخت یارانه منافات دارد.</p>
<p>اما در گزینه چهارم که هدفمند نمودن تدریجی یارانه‌ها و جهت دادن آن به سمت خانوارهای کم‌درآمد و فقیر و اختصاص بخشی از منابع</p>	<p>قیمت خرید تضمین محصولات کشاورزی، پرداخت مستقیم به خانوارهای زیر خط فقر، اختصاص وجوهی برای توسعه حمل و نقل</p>	<p>اما در گزینه چهارم که هدفمند نمودن تدریجی یارانه‌ها و جهت دادن آن به سمت خانوارهای کم‌درآمد و فقیر و اختصاص بخشی از منابع</p>